

# آینده رهبری جمهوری اسلامی پس از مرگ آیت الله خامنه ای

## منتشر شده در [فارین افیرز اول آوریل 2015](#)

آیت الله خامنه ای متولد ۱۹ آوریل ۱۹۳۹ است. بزودی ۷۶ سالگی را پشت سر گذاشته و وارد ۷۷ سالگی می شود. بیماری در چنین سنی، طبیعی است. ضمن آن که ۲۶ سال رهبری، ۸ سال ریاست جمهوری و بقیه مسئولیت های سیاسی، فشارهای روحی و جسمی زیادی بر او وارد آورده است.

خامنه ای در ۶ تیر ۱۳۶۰ توسط - به احتمال زیاد- سازمان مجاهدین خلق ترور شد و از ناحیه سینه، کتف و دست راست آسیب جدی دید. احتمالاً این ترور هم اثراتی بر روی جسم و روح او به جای گذارده است.

از ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ که توسط مجلس خبرگان رهبری، به جانشینی آیت الله خمینی انتخاب شد، شایعات پیرامون بیماری او رواج یافت. برخی می گفتند به شدت افسرده است و برخی دیگر می گفتند به زودی خواهد مرد. اما تاکنون زنده مانده است.

در ۱۳۷۰/۰۲/۲۱، یعنی حدود دو سال پس از به دست گرفتن رهبری، در بیمارستان بستری و تحت عمل جراحی کیسه سفرا قرار گرفت. قبل از عمل جراحی طی یک مصاحبه رادیو و تلویزیونی، به طور شفاف به سابقه بیماری خود اشاره کرد و گفت که قرار است طی چند ساعت آینده عمل جراحی بر روی او صورت گرفته و دو روز در بیمارستان بستری شود. در ۱۳۷۰/۰۲/۲۵ با پزشکان و پرستاران و کادر درمانی بیمارستان دیدار کرد و چند روز بعد از بیمارستان مرخص شد. در طی مدت اقامت در بیمارستان، همه مسئولان نظام و برخی از چهره های فرهنگی به دیدار او رفتند و اخبار این دیدارها روزانه منتشر می شد.

دومین بار در ۱۷ شهریورماه ۱۳۹۳ در یکی از بیمارستان های دولتی، تحت عمل جراحی پروستات قرار گرفت که این بار هم کاملاً شفاف عمل شد. در هر دو مورد عمل جراحی، خامنه ای به طور یکسان نمایشی تبلیغاتی را به تصویر کشید.

حالا که سن او بالا رفته، شایعات هم افزایش یافته است. می گویند سرطان پروستات پیشرفته دارد. حتی اگر این مدعا صادق باشد، در سن بالا، سرعت رشد سرطان کند بوده و آیت الله خمینی هم سال ها دوام آورد. خامنه ای در تمام دوران زمامداری، ورزش و کوه پیمایی را ترک نکرده است. یعنی به شدت مراقب سلامت جسمانی خود بوده و از نظر روحی و روانی هم مدعی است که با عبادت و مراقبه، به کمالات معنوی و عرفانی هم دست یافته است.

بخشی از شایعات بیماری اش مربوط به دشمنی خارجی متقابل است. در ۱۴ دیماه ۱۳۸۵ شایعات گسترده ای در سایت های اینترنتی منتشر شد که رهبر عالی ایران درگذشت. مایکل لدین هم این خبر را تأیید کرد. محمدجواد ظریف، نماینده وقت جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل، در همان روزها در گفت و گو با

خبرگزاری‌ها این شایعات را تکذیب کرد. آیت الله خامنه‌ای در ۱۳۸۵/۱۱/۱۹ در دیدار با فرماندهان و پرسنل نیروی هوایی ارتش به این شایعات واکنش نشان داد و **گفت** :

"دشمنان نظام اسلامی شایعات مختلفی درباره فوت و بیماری درست می‌کنند تا شاید چند روزی روحیه ملت ایران را تضعیف کنند اما آن‌ها نمی‌دانند که در ایران با یک شخص روبه‌رو نیستند بلکه با ملتی روبه‌رو هستند".

رسانه‌های محافظه‌کاران ایران چند سالی است که دائماً از مرگ پادشاه، وزیر امور خارجه و ولیعهد عربستان سعودی سخن می‌گویند. العربیه- خبرگزاری رسمی عربستان سعودی- هم اخیراً مدعی شد که خامنه‌ای در بیمارستان بستری شده و حال او خراب است. **اورشلیم پست اسرائیل** هم به این شایعه دامن زد. چند روز بعد، یعنی در ۱۳۹۳/۱۲/۱۷ و ۱۳۹۳/۱۲/۲۱ خامنه‌ای دو سخنرانی ایراد کرد و از تلویزیون پخش شد. در ۱۳۹۴/۰۱/۰۱، به مناسبت نخستین روز سال نو ایرانی، در مشهد، ۷۰ دقیقه **سخنرانی کرد**.

## موضوع جانشینی

خامنه‌ای بیمار باشد یا نباشد، با توجه به سن اش، موضوع رهبر بعدی بسیار مهم است. براساس اصول ۱۰۷ و ۱۱۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی انتخاب و برکناری رهبر با مجلس خبرگان رهبری است. مطابق اصل یکصد و نهم، شرایط و صفات رهبر به شرح زیر است:

۱ - صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه. ۲ - عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام. ۳ - بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری. در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی تر باشد مقدم است".

بدین ترتیب، علاوه بر اجتهاد فقهی، مدیریت و قدرت هم دو شرط مهم رهبری اند. با توجه به این شروط، هیچ یک از مراجع تقلید نمی‌توانند ولی فقیه شوند، برای این که فاقد هرگونه سابقه مدیریتی هستند. هیچ یک از فقیهان فاقد سابقه مدیریتی هم نمی‌توانند به رهبری دست یابند. تنها شانس آنان آیت الله جوادی آملی است که اینک ۸۲ ساله می‌توانست باشد. در انتخابات ریاست جمهوری ۷۶ و ۸۴ به ترتیب از اکبر ناطق نوری و اکبر هاشمی رفسنجانی حمایت کرد که هر دو شکست خوردند. مدعیات احمدی نژاد درباره ارتباط با امام زمان را دروغ به شمار آورد و در آذر ۸۸ با اعلام این که "دیگر نمی‌تواند به وظیفه خود عمل کند"، از امامت جمعه قم استعفا داد. با این اوصاف، او هم شانس ندارد.

مهمترین فرد برای جایگزینی خامنه‌ای، هاشمی رفسنجانی (متولد ۱۳۱۳) است. اما آیت الله خامنه‌ای او را کاملاً به حاشیه رانده است. دهه اول انقلاب دهه برتری هاشمی نسبت به خامنه‌ای بود و آنها هفته‌ای چند بار یکدیگر را ملاقات می‌کردند، اما اینک **ماهی یک بار** برای کارهای مجمع تشخیص مصلحت نظام همدیگر را می‌بینند. هاشمی پنج سال از خامنه‌ای بزرگتر است و قابل پیش بینی نیست که کدامیک

زودتر خواهد مرد. خامنه ای و محافظه کاران هرگز اجازه نمی دهند تا هاشمی حتی اگر زنده بماند، ولی فقیه بعدی باشد.

## گام اول خامنه ای

کمتر از یک سال از عمر مجلس خبرگان فعلی باقی مانده و انتخابات مجلس خبرگان رهبری در ۷ اسفند سال آینده همزمان با انتخابات مجلس برگزار خواهد شد. اولین اقدام خامنه ای حذف افراد به وسیله شورای نگهبان خواهد بود. دو ترفند برای این عمل وجود دارد:

الف- خامنه ای گفته است که حمایت از اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری ۸۸- جنبش سبز- خط قرمز نظام است و هیچ یک از حامیان و مشارکت کنندگان در هیچ سطحی از رژیم نمی توانند مسئولیتی داشته باشند. شورای نگهبان هم به صراحت گفته است که این نوع افراد را رد صلاحیت خواهد کرد. به عنوان نمونه، اگر علی یونسی- دستیار روحانی در امور اقلیت ها- کاندیدا شود، رد صلاحیت او بسیار ساده خواهد بود. اگر آیت الله موسوی خوئینی ها که با حکم آیت الله خمینی دادستان کل کشور شد و عضو اولین دوره مجلس خبرگان رهبری بود نامزد شود، به اتهام "مرد خاکستری" فتنه رد صلاحیت خواهد شد.

ب- شورای نگهبان کاندیداهایی را که "مجتهد" به شمار نیورد، از آنها امتحان گرفته و پس از آن اجتهاد فقهی آنان را رد یا تأیید می کند. به طور قطع رقبا را در امتحان رد کرده و خواهند گفت که مجتهد نیستند. اگر خامنه ای در سال آینده بتواند با استفاده از این ترفندها و دیگر راه ها ، مجلس خبرگان کاملاً یکدستی تشکیل دهد، کار تعیین جانشین دلخواهش به سادگی حل خواهد شد.

یکی از برنامه های خامنه ای این خواهد بود که افراد جوان تری را وارد مجلس خبرگان رهبری سازد که فاقد دو ویژگی باشند: اول- پیشینه مبارزاتی قبل از انقلاب. دوم- نزدیکی با آیت الله خمینی. طبعاً این گونه افراد کاملاً مطیع محض او خواهند بود. صادق لاریجانی- رئیس فعلی قوه قضائیه- ،ابراهیم رئیسی(متولد ۱۳۳۹) - دادستان کل کشور- و احمد خاتمی(متولد ۱۳۳۹) - عضو جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم و امام جمعه موقت تهران- ، نمونه این تیپ از افرادند که خامنه ای در دوران رهبری اش آنها را به بالاترین مقامات حکومتی منصوب کرده است. هر سه اینها عضو مجلس خبرگان کنونی هستند.

غلامحسین محسنی اژه ای(متولد ۱۳۳۵)، مصطفی پورمحمدی(متولد ۱۳۳۸)- که هر دو مستقیماً در سرکوب های سه دهه گذشته نقش داشته اند- و حیدر مصلحی(متولد ۱۳۳۶)- وزیر اطلاعات محمود احمدی نژاد- هم در این ردیف قرار می گیرند که احتمالاً باید وارد مجلس خبرگان بعدی شوند.

سن بالای بسیاری از اعضای خبرگان رهبری هم خامنه ای را مجبور به جوان گرایی می کند. به چند تن از آنان بنگرید: ابوالقاسم خزعلی ۹۰ ساله، محمد امامی کاشانی ۸۴ ساله ، عباس واعظ طبسی ۸۰ ساله، محی الدین حائری شیرازی ۷۹ ساله، محسن مجتهد شبستری ۷۹ ساله .

بنابراین، انتخابات سال آینده بسیار مهم است. هاشمی رفسنجانی و دیگران هم توجه ویژه ای به این انتخابات دارند. کوشش آنها معطوف به این است که بتوانند نیروهای هر چه بیشتری را از سد آهین شورای نگهبان عبور داده و وارد مجلس کنند. محافظه کاران افراطی، از جمله آیت الله جنتی، بارها **گفته اند** که هاشمی به دنبال دست یافتن به اکثریت در مجلس خبرگان آینده است تا نه تنها راه ریاست خود را هموار کند، بلکه از طریق نظارت، قدرت رهبری را محدود سازد.

آیت الله خامنه ای به اعضای مجلس خبرگان به شدت فشار آورد تا هاشمی رفسنجانی را به عنوان رئیس مجلس انتخاب نکنند. با این همه، هاشمی رقابت را با ۲۴ رأی در برابر ۴۷ رأی به آیت الله محمد یزدی واگذار کرد. به تعبیر دیگر، ۲۴ نفر علی رغم خواست خامنه ای به هاشمی رفسنجانی رأی دادند. اگر فشار خامنه ای نبود، وضعیت آرا متفاوت می شد.

در سال ۸۹ خامنه ای تمام کوشش خود را کرد تا هاشمی را از ریاست مجلس خبرگان رهبری برکنار سازد. به همین دلیل با تک تک اعضای خبرگان تماس گرفتند تا به هاشمی رأی ندهند و آیت الله مهدوی کنی بیمار را هم تحت فشار قرار دادند تا کاندیدای ریاست خبرگان شود. وقتی مهدوی کنی کاندیدای ریاست شد، هاشمی رفسنجانی کنار کشید و مهدوی به ریاست انتخاب شد. اعضای خبرگان روز بعد- یعنی در ۱۳۸۹/۱۲/۱۹- به دیدار خامنه ای رفتند. خامنه ای به آنها گفت که با توجه به سابقه عقل و احساس مسئولیت آقای هاشمی از او "انتظار" می رفت که همین گونه عمل کند و انتخاب مهدوی کنی، "**انتخاب بجا و بحقی بود**".

این بار هم پس از انتخاب آیت الله یزدی به ریاست خبرگان و شکست هاشمی به آنها گفت که انتخاب یزدی "**انتخاب مناسب و بجایی نشان می دهد**". بدین ترتیب، مواضع صریح و روشن خود را بیان می دارد.

هاشمی در ۹۳/۱۲/۱۹ گفته است که مجلس خبرگان رهبری فقط یک لحظه حساس دارد و آن انتخاب رهبر است. **سپس افزود:** "برای آن لحظه حساس حتما لازم نیست رییس باشم، کافی است عضو خبرگان باشم. انسان در خبرگان می تواند صحبت کند و نظرش را بدهد و اگر بخوایم، تأثیرگذار هم خواهیم بود".

هاشمی با سخنانی که ایراد می کند، روز به روز فاصله خود را بیشتر می سازد. بدین ترتیب اگرچه در نظام جمهوری اسلامی فاقد قدرت شده است، اما پایگاه اجتماعی خود را تقویت کرده و اگر به انتقادهای خود ادامه دهد، ساده ترین و کم هزینه ترین راه برای خامنه ای این است که از طریق شورای نگهبان- همچون انتخابات ریاست جمهوری ۲۴ خرداد ۹۲- وی را رد صلاحیت کند تا در آن "**لحظه حساس**" تأثیرگذار نباشد.

احتمالاً با توجه به همین شواهد است که در پیام نوروزی نوشته که باید به رأی مردم عمل شود و میزان رأی مردم است و **افزوده:** "من باشم یا نباشم، مطمئنم! فردای فرزندان ما و فردای این مرز و بوم و این انقلاب، آکنده از اعتدال خواهد بود، و افراط و خشک مقدسی ها روز به روز منزوی تر خواهد شد".

**افرادی که نمی توانند جانشین شوند**

برخی از افراطی ترین محافظه کاران مورد تأیید خامنه ای، به دلیل سن بالا و بیماری، امکان جانشین شدن را نداشته و به احتمال زیاد قبل خامنه ای خواهند مرد. چنان چه آیت الله مهدوی کنی- رئیس قبلی خبرگان- در هشتاد و سه سالگی درگذشت.

به عنوان نمونه، چهار چهره مهم قابل ذکرند: احمد جنتی(متولد ۱۳۰۵) ۸۸ ساله، محمد یزدی(متولد ۱۳۱۰) ۸۳ ساله، موحدی کرمانی (متولد ۱۳۱۰) ۸۳ ساله، مصباح یزدی(متولد ۱۳۱۳) ۸۰ ساله.

## جانشینان احتمالی خامنه ای

میان افراد حاضر در کادر رهبری جمهوری اسلامی برخی افراد شانس بیشتری برای جانشینی خامنه ای دارند:

**اول- آیت الله هاشمی شاهرودی:** در محافل سیاسی ایران گفته می شود که محافظه کاران به دنبال آنند که پس از مرگ خامنه ای، آیت الله شاهرودی را جانشین او سازند. **شاهرودی** متولد ۱۳۲۷ نجف- یکی از شهرهای مقدس عراق- است. ۳۱ سال اول عمرش در عراق زندگی کرد و در فروردین ۱۳۵۸ وارد ایران شد. او در دهه اول انقلاب ایران و زمان جنگ عراق علیه ایران، رهبری "**مجلس اعلای اسلامی عراق**" را بر عهده داشت و بارها به عنوان یک عراقی و رئیس آن تشکیلات با رسانه های ایرانی و غیر ایرانی مصاحبه کرد.

آیت الله خامنه ای در ۱۳۷۸/۵/۲۳ وی را به عنوان رئیس قوه قضائیه **منصوب کرد**. نمایندگان اصلاح طلب مجلس ششم شناسنامه وی را منتشر کردند که متولد نجف عراق است و یک غیر ایرانی نمی تواند رئیس یکی از سه قوه ایران باشد. با فشار آیت الله خامنه ای این مسأله مسکوت نهاده شد و او وی را به مدت ۵ سال دیگر به ریاست قوه قضائیه منصوب کرد. در ۱۳۹۰/۵/۳ نیز آیت الله خامنه ای شاهرودی را به عنوان رئیس نهادی جدید به نام "هیأت عالی حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه" **منصوب کرد**.

شاهرودی به غیر از سمت های یاد شده، اینک عضو و نایب رئیس مجلس خبرگان رهبری، عضو و نایب رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و یکی از فقهای شورای نگهبان است. اعلام مرجعیت هم کرده و خود را برای جانشینی آیت الله خامنه ای آماده می سازد. اما غیر ایرانی بودنش، یکی از عواملی است که می تواند برایش مشکل آفرین شود. عامل دیگر فسادهای مالی است که **رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس ششم** به طور تلویحی به آنها اشاره کرده است. شایعات فعالیت های اقتصادی فرزندانش آن قدر زیاد بود که مجبور شد در ۹۱/۲/۴ رسماً آنها را **تکذیب کند**. اما انتصاب محمد شریف ملک زاده، از نزدیکان احمدی نژاد- به عنوان مشاور اجرایی شاهرودی هم جنجال زیادی برپا کرد. تا جایی که صادق لاریجانی هم گفت که این متهم فساد که مورد رأفت نظام قرار گرفته، چرا به طور همزمان احکام "**قارچ گونه**" از شاهرودی و احمدی نژاد دریافت کرده است؟

مطابق اصل ۱۱۵ قانون اساسی رئیس جمهور باید "ایرانی الاصل" باشد، اما اصل ۱۰۹ قانون اساسی درباره "شرایط و صفات رهبر" فاقد شرط "ایرانی الاصل" بودن است.

**دوم- صادق اردشیر لاریجانی:** او فرزند آیت الله حاج میرزا هاشم آملی- از مراجع تقلید نجف- است و در سال ۱۳۳۹ در نجف عراق زاده شده است. فقه و فلسفه در حوزه علمیه قم خوانده و با فلسفه غرب هم آشنا است. کتاب های فلسفه اخلاق در قرن حاضر و ارنک، دین و اخلاق و چند مقاله فلسفی را از انگلیسی به فارسی ترجمه کرده است.

آیت الله خامنه ای در ۸۰/۴/۲۵ وی را به عنوان یکی از فقهای شورای نگهبان منصوب کرد. با توجه به این که در آن زمان ۴۱ ساله بود، رویه ای کاملاً خلاف عرف به شمار می رفت. خامنه ای در ۲۴ مرداد ۱۳۸۸ وی را به ریاست قوه قضائیه منصوب کرد. در ۲۳ مرداد ۱۳۹۳ مجدداً وی را برای پنج سال دیگر به ریاست قوه قضائیه منصوب کرد.

در حکم سال ۸۰ وی را "دانشمند محقق جناب حجه الاسلام آقای حاج شیخ صادق لاریجانی"، در حکم سال ۸۸ "جناب مستطاب حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ صادق آملی لاریجانی، محقق فرزانه و ارجمند" و در حکم سال ۹۳ "آیت الله جناب آقای حاج شیخ صادق آملی لاریجانی" خطاب کرد. یعنی پیشرفت سیاسی در ساختار جمهوری اسلامی را با افزایش عنوان های دینی حوزی همراه کرد.

اهمیت این موضوع از منظر دیگری هم قابل درک است. حسن روحانی هم عضو مجلس خبرگان رهبری است. مادر او در ۱۳۹۳/۱۲/۲۹ درگذشت. آیت الله خامنه ای در پیام تسلیت به حسن روحانی، فقط او را "حجت الاسلام" نامید. بدین ترتیب، فاصله فقهی حسن روحانی با صادق لاریجانی را تعیین می کند.

پیوندهای نسبی با روحانیت، برای این صنف بسیار مهم است. صادق لاریجانی از این جهت دارای کارنامه قوی است. وقتی پدرش در ۹۱ سالگی در ۷/۱۲/۷۱ درگذشت، آیت الله خامنه ای پیام درخوری برای او صادر کرد. مادر صادق لاریجانی هم فرزند یکی از آیت الله ها بوده است. خود او نیز داماد آیت الله وحید خراسانی- یکی از مراجع تقلید قم- است. خواهرش همسر آیت الله دکتر سیدمصطفی محقق داماد - فرزند مرحوم آیت الله حاج سیدمحمد داماد و نوه دختری آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری- است. برادرش علی لاریجانی- رئیس قوه مقننه- داماد آیت الله مرتضی مطهری است.

صادق لاریجانی به عنوان رئیس قوه قضائیه در سرکوب مخالفان بسیار قوی و کاملاً مطابق میل خودسرانه آیت الله خامنه ای عمل کرده است. برادران لاریجانی دارای پرونده های مفساد اقتصادی اند و فیلم یک نمونه آن را محمود احمدی نژاد در مجلس به نمایش گذارد.

زاده نجف بودن، سرکوب گسترده و فساد مالی خانوادگی نقاط ضعف اوست. با این همه تا مرگ خامنه ای سنش افزایش یافته و به ۶۰ سالگی نزدیک خواهد شد.

**سوم- غلامحسین محسنی اژه ای:** او متولد ۱۳۳۵ است و در سرکوب های سه دهه گذشته نقش بسیار مهمی داشته است. در سال های ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ مسئول گزینش وزارت اطلاعات بود. از نیمه دوم سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۷ نماینده قوه قضائیه در وزارت اطلاعات شد. در دوره ۱۳۷۶ - ۱۳۷۴ دادستان ویژه روحانیت تهران بود و از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۴ دادستان کل ویژه روحانیت شد. به طور همزمان، از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۱ مسئول مجتمع قضایی ویژه رسیدگی به جرائم کارکنان دولت بود که در این دوره حدود

یکصد نشریه توقیف و تعداد بسیاری از روزنامه نگاران زندانی شدند. از ۲۳ مرداد ۱۳۸۴ تا برکناری در ۳ مرداد ۱۳۸۸ وزیر اطلاعات کابینه اول احمدی نژاد بود. آن گاه توسط صادق لاریجانی، برای دوره ۱۳۸۸ تا تابستان ۱۳۹۳ به دادستان کل کشور منصوب شد. در دوره جدید ریاست لاریجانی، به معاون اول و سخنگوی قوه قضائیه ارتقا مقام یافت. همزمان در نهادهای گوناگون- از جمله مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای عالی مجازی - عضویت دارد. از افراد کاملاً مورد اعتماد آیت الله خامنه ای است. در ۲۷ بهمن ۹۳ خامنه ای از طریق وی به همه رسانه اعلام کرد که انتشار سخنان و تصاویر سید محمد خاتمی ممنوع است.

رشد او در دوره خامنه ای صورت گرفته است. سوابق مدیریتی زیادی دارد، اما از نظر فقهی درس چندان خوانده است. این مشکل درباره خامنه ای هم وجود داشت که حل شد. مشکل محسنی اژه ای هم حل شده است. برای این که قاضی و وزیر اطلاعات باید مجتهد باشند و او هر دو سمت را در دوران خامنه ای داشته است.

## نقش سپاه پاسداران

برخی گمان می کنند که پس از خامنه ای سپاه قدرت را در دست خواهد گرفت. این گمانی باطل است برای این که مطابق اصول قانون اساسی ، اسلامی بودن نظام از اصول تغییر ناپذیر نظام است و این امر از: "راه اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین تأمین می شود"(اصل دوم و پنجم قانون اساسی).

انتخاب رهبر هم با مجلس خبرگان رهبری است. اگر چه در قانون اساسی نیامده که اعضای این مجلس باید روحانی باشند، اما چون اصل ۱۰۸ قانون اساسی این امر را به خود آنان واگذار کرده و آنان هم این اختیار را به شورای نگهبان واگذار کردند، شورای نگهبان اجتهاد فقهی را شرط عضویت در خبرگان قرار داده است.

بدین ترتیب، نظامیان- مانند دیگر اقلش اجتماعی- نمی توانند به عضویت مجلس خبرگان رهبری در آیند، چه رسد رهبری که قطعاً باید مجتهد باشد. از این نظر فرماندهی سپاه نقش مستقیمی در انتخاب رهبری نظام ندارد. اما آنان قطعاً از فرد مد نظر آیت الله خامنه ای حمایت به عمل خواهند آورد. مگر آن که ادعا شود پس از مرگ خامنه ای سپاه دست به کودتای نظامی خواهد زد. این مدعا را با هیچ قرینه ای نمی توان تأیید کرد.

## شورایی بودن رهبری

هاشمی رفسنجانی در ماه های گذشته چندین بار موضوع شورایی بودن رهبری را مطرح کرده است. اما سخن او غیر قانونی است. برای این که در بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، شورایی بودن رهبری از قانون اساسی حذف شد و به جای آن آمده: "در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای

بینش فقهی و سیاسی قوی تر باشد مقدم است". بدین ترتیب، خبرگان موظف به انتخاب فردی است که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی تری باشد.

موضوع دیگر این است که گفته می شود اگر هاشمی رفسنجانی حذف شود، فاصله دیگران با آیت الله خامنه ای بسیار زیاد است و هیچ فرد دیگری دارای توانایی او نیست که جمهوری اسلامی را برپا نگاه دارد. اما این مشکل دقیقاً پس از عزل آیت الله منتظری از رهبری آینده توسط آیت الله خمینی مطرح شد. وقتی خامنه ای انتخاب شد، عده زیادی می گفتند که چون او به کلی فاقد اعتبار آیت الله خمینی است، قدرت زیادی نخواهد داشت. اما ساختار حقوقی (قانون اساسی) و ساختار واقعی (یعنی وضعیت واقعی رژیم)، همه چیز را در اختیار رهبر قرار داده است. فرد دیگری هم که جایگزین خامنه ای شود، با این همه اختیارات و قدرت واقعی، شاید دیکتاتوری بدتر از خامنه ای از کار در آید.

## خامنه ای و حل چند مسأله

آیت الله خمینی در اواخر عمر خود چند مسأله مهم را حل کرد: پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و پایان بخشیدن به جنگ، عزل آیت الله منتظری از رهبری بعدی و اشاراتی که به رهبری خامنه ای منتهی شد.

گویی خامنه ای هم در حال حل چندین مسأله مهم است: حل نزاع هسته ای که بدون تأیید او مورد تأیید محافظه کاران قرار نخواهد گرفت، حذف کامل برخی شخصیت های سیاسی در پوشش "فتنه گران"، هموار سازی راه جانشین خود.

چند متغیر دیگر ممکن است نظر خامنه ای در مورد جانشین خود را تغییر دهند، یا اجرای تصمیم او را دشوار سازند.

**اول-** طول مدتی که او زنده خواهد ماند. اگر ۲ سال دیگر زنده باشد، چهره های یاد شده وضع بهتری دارند. اما اگر خامنه ای ۵ یا ۷ یا ۱۰ سال دیگر زنده بماند، وضعیت جانشینان به کلی تغییر خواهد کرد و ممکن است افراد دیگری به نامزدهای اصلی تبدیل شوند.

**دوم-** پایگاه اجتماعی مخالفان و جبهه بندی های داخلی شاید نگذارند تا تحولات آن چنان که او می خواهد پیش روند. مراجع تقلید و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم هم ممکن است نظر دیگری داشته باشند.

**سوم-** نهایی شدن توافق هسته ای، لغو رفته رفته تحریم های اقتصادی، بهبود روابط با دولت های غربی، و... بر روی سمت و سوی مسائل داخلی بسیار تأثیر گذارند. جمهوری اسلامی رهای از هرگونه تهدید خارجی، جمهوری اسلامی کنونی نخواهد بود. دولت های غربی به رهبری آمریکا، در شرایطی که روابط دوستانه ای با ایران داشته باشند، بیش از هر زمان دیگری می توانند در بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران نقش بازی کنند. توسعه اقتصادی ایران به بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری خارجی و تکنولوژی مدرن غربی نیازمند است. این امتیاز باید به رعایت حقوق بشر منوط شود.



**چهارم-** متغیر مهم دیگر نیروهای دموکراسی خواهی هستند که اساساً نظام ولایت فقیه، رهبری مادام العمر، استبداد دینی، و هیچ نوع رژیم دیکتاتوری را نمی پذیرند و بر اساس پشتوانه های داخلی و ملی برای گذار مسالمت آمیز به نظام دموکراتیک ملتزم به آزادی و حقوق بشر مبارزه می کنند. آنان نیز در شرایطی که سناریوی حمله نظامی خارجی و تحریم هایی که موجودیت مردم را به خطر انداخته وجود نداشته باشد، می توانند کل بازی نظام دیکتاتوری را به هم بریزند. "[اسلام سکولار](#)" اینک میان نیروهای مذهبی طرفدار زیادی دارد.

**پنجم-** تحلیل و تبیین سیاسی، بر عالم سیاست تأثیرگذار است. وقتی مخالفان و منتقدان درباره نامزدهای رهبری آینده می نویسند و سوابق آنان را به رخ می کشند، ممکن است آنها گرفتار وضعیتی شوند که دیگر حتی نتوانند نامزد احتمالی باشند.

قدرت و اختیارات رهبری در نظام غیر دموکراتیک جمهوری اسلامی چند برابر قدرت و اختیارات رئیس جمهور آمریکا است. بدین ترتیب، این که چه کسی رهبر جمهوری اسلامی باشد، در سرشت رژیم تأثیر اساسی دارد. با توجه به همین نقش بود که آیت الله خمینی آیت الله منتظری را از جانشینی خود عزل کرد تا پس از او "کشور و مردم را به دست لیبرال ها نسپارد" و [در حکم عزل نوشت](#) که انتقادات آیت الله منتظری از نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی، "ضربات سنگینی بر اسلام و انقلاب زد و موجب خیانتی بزرگ به سربازان گمنام امام زمان و خونهای پاک شهدای اسلام و انقلاب گردید". سپس به نمایندگان مجلس شورای اسلامی [نوشت](#): "با دلی پر خون حاصل عمرم را برای حفظ نظام و اسلام کنار گذاشتم".

آیت الله خامنه ای هم قوی ترین اشخاص را حذف کرده و به حاشیه می راند تا جانشینی برای خود بسازد که میراث وی را تداوم بخشد، نه آن که با اصلاح قانون اساسی، ولایت فقیه را حذف کرده و مسیر دموکراتیزه کردن نظام را بگشایند.

منبع: [رادیو فردا](#)، ۱۳۹۴/۰۱/۱۳